

سرحد ایران و هند قرار داد و تا زمان فتحعلی شاه قاجار هم رُود سند سرحد ایران و هند بود. ۵- سعی و اهتمامش در اتحاد مملکت افغانستان با ایران که این دو مملکت همیشه با هم متحد و جزء لاینفک باشند و کشش او در توحید ملل اسلامی. و علاوه برین این پادشاه با عظمت و اقتدار خیالاتی بس عالی در سر داشت که بدبختانه نتوانست به انجام دادن آنها کامیاب بشود. بمبی ۲۲ اکتبر ۱۹۲۳- بشیر عبدالرحیم بهبهانی

## ۲- تفسیر یکی از اشعار حافظ

آقای مدیر محترم!؟

تمنا دارم در اولین شماره از مجله خودتان شعر ذیل را درج فرموده و از عموم در خواست تفسیر شعر مزبور را بفرمائید. طرف کلام مخلص مخصوصاً اشخاصی نیستند که از عالم تصرف و فلسفه اطلاعی نداشته و اشعار حافظ را بنظر ساده نگریسته حتی در بعضی مواقع از تنقید این شاعر بزرگ خود داری نمیکنند!

شعر مزبور اینست:

پیر ما گفت خطا در قلم صنع زرفت

آفرین بر نظر پاک خطا پوشش باد

مقصود حافظ از فرد اول این است که میفرماید پیر و مرشد ما پس از تفحص و استطلاع در این عالم اظهار نمود که در مدار آفرینش ایندنی از طرف حضرت پروردگاری اشتباه و خطائی رخ نداده و از حضرت کردگاری نسیانی ظاهر نشده.

از فرد ثانوی چنین مفهوم میشود که حافظ شخصاً عقیده اش

بر این بود که پیر و مرشد ما خطا و نسیان را در این آفرینش از حضرت پروردگاری دیده ولی بنظر علونگریسته و چشم پوشی نموده. در صورتیکه این قسمت بر خلاف عقاید تصوف است و مقصود حافظ که خود شیخاً عقاید تصوف را دارد دور از این معانی و تفسیر است که مخلص و دیگران تصور مینمائیم.

بنابراین خواهشمندم آقایانی که میتوانند کاملاً معنی این یک شعر را که یکی از کوچکترین اشعار ساده حافظ بشمار میرود تفسیر بنمایند، از ذکر آن خود داری نفرمایند.

در خاتمه از آقای مدیر محترم تمنا دارم که در هر شماره یک یا چند صفحه از مجله خود را مخصوص تفسیر اشعار حافظ و مولوی نموده شاید بتواند تا اندازه‌ای افکار عامه را به فلسفه و تصوف آشنانماید.

قاهره — ۱۵ جمادی الاول — ۱۳۴۲

حیب‌الله قزل ایاغ — پور رضا

## خاطرات یک مسافرت دو ساعته

چندی قبل در جواب مکتوب خصوصی این بنده مرقوم داشته بودید که خوبست از آثار قلمی و افکار خود بطوری چند برای نشر در مجله تقدیم کنم. اینک با تشکر از حسن ظنی که نسبت به بنده ابراز فرموده اید عرض میکنم که نوشتجات خود را چندان سزاوار چاپ شدن در آن مجله نمیدانم چه گذشته از آنکه شغلم بویسندگی نیست از روی یک اسلوب معینی و در خط مخصوص چیز نوشته و شاید در آیه هم توویم بلکه مانند یک نفر متفنن گاهی